

## راهکارهای اجرایی امام علی (ع) جهت برپایی عدالت در حکومت اسلامی

راضیه میر علی ملک<sup>۱</sup> - طاهره ماهرزاده<sup>۲</sup> - سعیده علی نژاد<sup>۳</sup>

### چکیده

عدل در لغت به معنای برابری و در مفهوم اجتماعی به معنای احقاق حقوق افراد در جامعه میباشد؛ عدالت مانند بسیاری از دیگر اوامر الهی حدود و مراتبی دارد؛ این امر چنان اهمیت بسزایی بویژه در ترویج و استقرار صلح دارد که در بسیاری از آیات قران و روایات اسلامی به آن اشاره شده و در برخی از اسناد به عنوان زیور حاکمان و زمامداران بشمار میرود. امام علی (ع) به عنوان رهبر جامعه اسلامی و امام اول شیعیان نسبت به این امر در دوران زندگی توجه خاصی مبذول داشته و در دوران حکومت کوتاه خود در راستای اجرای آن در جامعه تلاش وافری داشت، به طوری که این خصلت وی مانند تمام فضایل اخلاقی ایشان مورد تأیید دوست و دشمن بود. کاربست عدالت در زوایای مختلف امور حکومتی از جمله مسائلی است که امام علی (ع) در کنار موعظه و پند و انداز کارگزاران همواره آن را با راهکارهایی بکار میبست؛ لذا در حکومت علوی راهکارهای اجرایی زیادی جهت برپایی عدالت در جامعه وجود دارد که اهم آنها وجود حاکمان عادل و متقی، نظارت بر اعمال و رفتار مسئولان در جامعه، دستور به ساده زیستی مسئولین جامعه اسلامی، عدم تبعیض بین اقشار جامعه، لزوم

miralimalek@gmail.com  
mahrozadeh@gmail.com  
alinejad.saede@gmail.com

۱ دکتری مطالعات زنان گرایش حقوق زن در اسلام دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران  
۲ استادیار گروه قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران  
۳ طلبه سطح ۳ رشته تاریخ اسلام مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران، قم، ایران



پایداری و پشتیبانی مردم و مسئولین از یکدیگر در جامعه میباشد. پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای به واکاوی این راهکارها و بازفای آن در حکومت علوی پرداخته و سعی در ترسیم و تحلیل آن دارد.

**واژگان کلیدی: امام علی (ع)، عدالت، سیاست، حکومت اسلامی، صلح، اجتماع**



## مقدمه

عدل و عدالت یکی از مباحث مهم در دین مقدس اسلام می باشد که در قرآن مجید و سنت از آن مباحث چشمگیری یافت می شود، در میان فرق اسلامی بسیاری از فرق عدل را قبول دارند ولی در میان شیعیان عدل و امامت جز اصول دین قرار گرفته است و به همین دلیل در برخی از ادیان، شیعیان را عدلیه می نامند.

در کتاب شریف نهج البلاغه که اثر جاویدانی از امام علی (ع) است و به دست سید رضی جمع آوری شده است، برخی از دیدگاه های عدالت محورانه امام بازگو شده است؛ امام در دوران حکومت کوتاه خود نیز عدالت محوری را نشان داده و هر چه برخلاف آن بود را برانداخت. بدون شک یکی از مظاهر توسعه یافتگی که از مزایای عدالت محوری است، توجه به زمامداران و نحوه حکومت آن ها در جامعه است و امام به این مهم توجه خاصی را مبذول می داشت.

به عبارت دیگر عدالت مانند هر کار شایسته دیگر برای کاربست در سیستم های حکومتی راهکارهایی دارد و امام علی (ع) به عنوان یک فرد معصوم، خردمند و سیاستمدار، برای پیاده کردن آن در جامعه در کنار اخلاق و دیانت و پند و وعظ، از آن راهکارها استفاده می کرد؛ وی شخصیت بزرگ و والایی بود که در حدود ۴ سال و ۹ ماه در یکی از بزرگ ترین ممالک جهان حکومت کرد و برنامه های عدالت محور خود را پیرامون یک حکومت واقعی اسلامی ابراز نمود.

## بررسی شخصیت امام علی (ع) به عنوان نماد عدالت

علی (ع) از نظر فرهنگی و اخلاقی و دیگر ابعاد شخصیتی در دامان شخصی چون پیامبر اکرم (ص) رشد یافت و چنان با خلق و خوی اسلامی پرورش یافت که از وی به عنوان اولین اسلام آورنده، وصی و برادر رسول اکرم (ص) یاد می کنند.



او هم در عبادت و هم در عدالت محوری چه در دوران حکومت و چه در دوران غیر حکومت خویش زبانزد خاص و عام بود و به راستی آیه‌ی «السابقون السابقون اولئک المقربون» (آیه ۱۰ و ۱۱ سوره واقعه) را معنا کرده بود، او چنان که در قرآن مجید هم اشاره شد، فدایی پیامبر اکرم (ص) بود.

وی دارای شخصیت دو نیرویی بود چنانکه شهید مطهری (ره) در این باره می‌فرماید: «علی از مردانی است که هم جاذبه دارد و هم دافعه و جاذبه و دافعه او سخت نیرومند است. شاید در تمام قرون و اعصار جاذبه و دافعه‌ای به نیرومندی جاذبه و دافعه علی (ع) پیدا نکنیم. دوستانی دارد عجیب؛ تاریخی؛ فداکار؛ باگذشت؛ از عشق او همچون شعله‌هایی از خرمی آتش؛ سوزان و پرفروغ‌اند؛ جان دادن در راه او را آرمان و افتخار می‌شمارند و در دوستی او همه چیز را فراموش کرده‌اند. از مرگ علی سالیان بلکه قرونی گذشت اما این جاذبه همچنان پرتو می‌افکند و چشم‌ها را به سوی خویش خیره می‌سازد ... در دوران زندگی اش علی به همین شدت دشمنان سرسخت دارد؛ دشمنانی که از نام او به خود می‌پیچیدند. علی از صورت یک فرد بیرون است و به صورت یک مکتب موجود است و به همین جهت گروهی را به سوی خود می‌کشد و گروهی را از خود طرد می‌نماید. آری؛ علی شخصیت دو نیرویی است» (شهید مطهری، ۱۳۹۱: ۳۰-۳۱).

## مفهوم‌شناسی واژگانی

### عدالت

عدل در لغت، مفهومی ضد جور و ظلم بوده و چیزی است که دل‌ها آن را مستقیم و درست در مییابد، عدالت و معادله، لفظی است که اقتضای معنای مساوات داشته و عدل، تقسیم به نحو مساوی است (فراهیدی، ج ۲: ۱۱۵۳، واژه «عدل»؛ ر.ک. ابن منظور،



لسان العرب، ج ۱۱). در مورد عادل آمده است: «عادل آن است که به عدالت رفتار کند و به عبارت دیگر دادگر، داددهنده، راست، درست و مستقیم را عادل می‌گویند» (معین، ۱۳۸۷: ۸۱۴).

عدالت در لغت به معنای برابری و توازن می‌باشد و در مفهوم اجتماعی یعنی حقی که از طرف صاحب حق به کسی داده شود. کلمه عدل به معنای برابری است، این مهم مقوله‌ای است که اگر در جامعه‌های به آن بها داده نشود آن جامعه به معنای واقعی دوام نخواهد یافت، از معانی مهم دیگر این کلمه هر چیز در جای خود قرار گرفتن است؛ و به عبارت دیگر عدالت یکی از مسائلی است که به وسیله‌ی اسلام حیات و زندگی را از سر گرفته و ارزش فوق‌العاده یافته است. (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۱۷).

شهید مطهری (ره) از واژه عدالت و ظلم که درباره انسان به کار می‌رود، چنین ترسیمی ارائه نموده است: «ما افراد بشر، فردی از نوع خود را که نسبت به دیگران قصد سویی ندارد، به حقوق آن‌ها تجاوز نمی‌کند، هیچ‌گونه تبعیضی میان افراد قائل نمی‌گردد، در آنچه مربوط به حوزه حکومت و اداره او است، با نهایت بی‌طرفی، به همه به یک چشم نگاه می‌کند، در مناقشات و اختلافات افراد دیگر، طرفدار مظلوم و دشمن ظالم است؛ چنین کسی را دارای نوعی از کمال (عدالت) می‌دانیم و روش او را قابل "تحسین" می‌شماریم و خود او را "عادل" می‌دانیم» (مطهری، ۱۳۹۹: ۴۵).

## ارکان عدل

برای هر امر متقن و پایداری ارکانی وجود دارد، برای عدل هم ارکانی شمرده شده است، در نهج‌البلاغه در خصوص ارکان عدل چنین می‌خوانیم: وقتی که از امام علی (ع) درباره ایمان پرسیدند امام فرمود: «ایمان بر چهار پایه استوار است: شکیبایی (صبر)؛ یقین؛ عدل؛ (داد) جهاد».



سپس امام علی (علیه السلام) هر کدام از این ارکان را تقسیم نموده و چون به عدل رسید، فرمودند: «... والعدل منها علی اربع شعب» و عدل بر چهار شعبه است. اول: علی غائض الفهم. بر فهمی ژرف نگرنده؛ یعنی به وقت بفهمد. دوم: و غور العلم؛ و دانش پس به حقیقت برنده یعنی به حقیقت علم برسد. سوم: و زهره الحکم؛ و نیکو داوری فرمودن. چهارم: و رساخه العلم؛ و در بردباری استوار بودن. «فمن فهم علم العلم و من علم غوره العلم صدر عن شرایع الحکم و من حکم لم یفره فی امره وعاش فی الناس حمیدا...»، یعنی: پس آن که فهمید به ژرفای دانش رسید و آن که به ژرفای دانش رسید از آشخور شریعت سیراب گردید و آن که بردبار بود تقصیر نکرد (یعنی در زندگی افراط نمی‌کند) و در میان مردم با نیک‌نامی زندگی نمود ... (نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۱).

### مراتب عدالت

عدالت دارای مراتب و درجاتی است که رسیدن به هر کدام از آن‌ها شایسته و ارزنده و رسیدن به بالاترین آن ویژه‌ترین خاص‌ترین انسانها است. مراتب عدالت به طور کلی ۳ مرتبه است:

مرتبۀ نازلۀ که به نام «عدالت صغری» معروف است و در فقه مطرح است.

مرتبۀ متوسطه که به نام عدالت وسطی معروف است و در فلسفۀ مطرح است.

مرتبۀ عدالت کبری که مرتبۀ والای عدالت است و در عرفان مطرح می‌شود

(قلی‌زاده، ۱۳۷۹: ۴۴).

چنانکه مشخص است انسان به هر کدام از این مراتب که دست یابد درجاتی را در عدالت کسب نموده است، اما بالاترین درجه، عدالت کبری است که برای هر کس قابل دسترسی نیست مگر اینکه بر نفس خود نظارت و تمنی آن را کنترل نماید.



## ۱. عدالت در آیات و روایات

عدالت مفهومی عمیق و پرکاربرد است که در آیات و روایات بسیار زیادی به آن اشاره شده است، در اینجا جهت آشنایی بیشتر با این مقوله به برخی از آیات مرتبط با عدالت اشاره نموده و سپس برخی از روایاتی را که در این زمینه وارد شده است را مورد مذاقه قرار خواهیم داد.

### ۱،۱،۱. عدالت در آیات قرآن

#### ۱،۱،۱. دعوت کلی به عدالت

چنانکه پیشتر نیز اشاره شد در قرآن مجید که کتاب هدایت و سعادت بشری است به طور کلی و جزئی به رعایت عدالت اشاره شده است چنانکه در سوره مائده آیه ۸ چنین می‌خوانیم: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط و لا یجرمنکم شتان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی و اتقوا لله خبیر ۴۱». ای کسانی که ایمان آورده‌اید همواره قیام‌کننده برای خدا باشید و به عدالت گواهی دهید و هرگز دشمنی با قومی؛ شما را به خلاف عدالت نکشاند و به عدالت رفتار کنید که به تقوا نزدیک‌تر است و از خدا بترسید همانا او به آنچه می‌کنید آگاه است.

#### ۱،۱،۲. برپا داشتن عدالت

در سوره مبارکه نساء آیه ۱۳۵ نیز در مورد برپا داشتن عدالت چنین می‌خوانیم: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله و لو علی انفسکم اولو الدین والاقربین ان یکن غنیا و فقیرا فالله اولی بهما فلا تتبعوا الهوی ان تعدلوا وان تلبوا او تعرضوا فان الله کان ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰ ۱۰۱ ۱۰۲ ۱۰۳ ۱۰۴ ۱۰۵ ۱۰۶ ۱۰۷ ۱۰۸ ۱۰۹ ۱۱۰ ۱۱۱ ۱۱۲ ۱۱۳ ۱۱۴ ۱۱۵ ۱۱۶ ۱۱۷ ۱۱۸ ۱۱۹ ۱۲۰ ۱۲۱ ۱۲۲ ۱۲۳ ۱۲۴ ۱۲۵ ۱۲۶ ۱۲۷ ۱۲۸ ۱۲۹ ۱۳۰ ۱۳۱ ۱۳۲ ۱۳۳ ۱۳۴ ۱۳۵ ۱۳۶ ۱۳۷ ۱۳۸ ۱۳۹ ۱۴۰ ۱۴۱ ۱۴۲ ۱۴۳ ۱۴۴ ۱۴۵ ۱۴۶ ۱۴۷ ۱۴۸ ۱۴۹ ۱۵۰ ۱۵۱ ۱۵۲ ۱۵۳ ۱۵۴ ۱۵۵ ۱۵۶ ۱۵۷ ۱۵۸ ۱۵۹ ۱۶۰ ۱۶۱ ۱۶۲ ۱۶۳ ۱۶۴ ۱۶۵ ۱۶۶ ۱۶۷ ۱۶۸ ۱۶۹ ۱۷۰ ۱۷۱ ۱۷۲ ۱۷۳ ۱۷۴ ۱۷۵ ۱۷۶ ۱۷۷ ۱۷۸ ۱۷۹ ۱۸۰ ۱۸۱ ۱۸۲ ۱۸۳ ۱۸۴ ۱۸۵ ۱۸۶ ۱۸۷ ۱۸۸ ۱۸۹ ۱۹۰ ۱۹۱ ۱۹۲ ۱۹۳ ۱۹۴ ۱۹۵ ۱۹۶ ۱۹۷ ۱۹۸ ۱۹۹ ۲۰۰ ۲۰۱ ۲۰۲ ۲۰۳ ۲۰۴ ۲۰۵ ۲۰۶ ۲۰۷ ۲۰۸ ۲۰۹ ۲۱۰ ۲۱۱ ۲۱۲ ۲۱۳ ۲۱۴ ۲۱۵ ۲۱۶ ۲۱۷ ۲۱۸ ۲۱۹ ۲۲۰ ۲۲۱ ۲۲۲ ۲۲۳ ۲۲۴ ۲۲۵ ۲۲۶ ۲۲۷ ۲۲۸ ۲۲۹ ۲۳۰ ۲۳۱ ۲۳۲ ۲۳۳ ۲۳۴ ۲۳۵ ۲۳۶ ۲۳۷ ۲۳۸ ۲۳۹ ۲۴۰ ۲۴۱ ۲۴۲ ۲۴۳ ۲۴۴ ۲۴۵ ۲۴۶ ۲۴۷ ۲۴۸ ۲۴۹ ۲۵۰ ۲۵۱ ۲۵۲ ۲۵۳ ۲۵۴ ۲۵۵ ۲۵۶ ۲۵۷ ۲۵۸ ۲۵۹ ۲۶۰ ۲۶۱ ۲۶۲ ۲۶۳ ۲۶۴ ۲۶۵ ۲۶۶ ۲۶۷ ۲۶۸ ۲۶۹ ۲۷۰ ۲۷۱ ۲۷۲ ۲۷۳ ۲۷۴ ۲۷۵ ۲۷۶ ۲۷۷ ۲۷۸ ۲۷۹ ۲۸۰ ۲۸۱ ۲۸۲ ۲۸۳ ۲۸۴ ۲۸۵ ۲۸۶ ۲۸۷ ۲۸۸ ۲۸۹ ۲۹۰ ۲۹۱ ۲۹۲ ۲۹۳ ۲۹۴ ۲۹۵ ۲۹۶ ۲۹۷ ۲۹۸ ۲۹۹ ۳۰۰ ۳۰۱ ۳۰۲ ۳۰۳ ۳۰۴ ۳۰۵ ۳۰۶ ۳۰۷ ۳۰۸ ۳۰۹ ۳۱۰ ۳۱۱ ۳۱۲ ۳۱۳ ۳۱۴ ۳۱۵ ۳۱۶ ۳۱۷ ۳۱۸ ۳۱۹ ۳۲۰ ۳۲۱ ۳۲۲ ۳۲۳ ۳۲۴ ۳۲۵ ۳۲۶ ۳۲۷ ۳۲۸ ۳۲۹ ۳۳۰ ۳۳۱ ۳۳۲ ۳۳۳ ۳۳۴ ۳۳۵ ۳۳۶ ۳۳۷ ۳۳۸ ۳۳۹ ۳۴۰ ۳۴۱ ۳۴۲ ۳۴۳ ۳۴۴ ۳۴۵ ۳۴۶ ۳۴۷ ۳۴۸ ۳۴۹ ۳۵۰ ۳۵۱ ۳۵۲ ۳۵۳ ۳۵۴ ۳۵۵ ۳۵۶ ۳۵۷ ۳۵۸ ۳۵۹ ۳۶۰ ۳۶۱ ۳۶۲ ۳۶۳ ۳۶۴ ۳۶۵ ۳۶۶ ۳۶۷ ۳۶۸ ۳۶۹ ۳۷۰ ۳۷۱ ۳۷۲ ۳۷۳ ۳۷۴ ۳۷۵ ۳۷۶ ۳۷۷ ۳۷۸ ۳۷۹ ۳۸۰ ۳۸۱ ۳۸۲ ۳۸۳ ۳۸۴ ۳۸۵ ۳۸۶ ۳۸۷ ۳۸۸ ۳۸۹ ۳۹۰ ۳۹۱ ۳۹۲ ۳۹۳ ۳۹۴ ۳۹۵ ۳۹۶ ۳۹۷ ۳۹۸ ۳۹۹ ۴۰۰ ۴۰۱ ۴۰۲ ۴۰۳ ۴۰۴ ۴۰۵ ۴۰۶ ۴۰۷ ۴۰۸ ۴۰۹ ۴۱۰ ۴۱۱ ۴۱۲ ۴۱۳ ۴۱۴ ۴۱۵ ۴۱۶ ۴۱۷ ۴۱۸ ۴۱۹ ۴۲۰ ۴۲۱ ۴۲۲ ۴۲۳ ۴۲۴ ۴۲۵ ۴۲۶ ۴۲۷ ۴۲۸ ۴۲۹ ۴۳۰ ۴۳۱ ۴۳۲ ۴۳۳ ۴۳۴ ۴۳۵ ۴۳۶ ۴۳۷ ۴۳۸ ۴۳۹ ۴۴۰ ۴۴۱ ۴۴۲ ۴۴۳ ۴۴۴ ۴۴۵ ۴۴۶ ۴۴۷ ۴۴۸ ۴۴۹ ۴۵۰ ۴۵۱ ۴۵۲ ۴۵۳ ۴۵۴ ۴۵۵ ۴۵۶ ۴۵۷ ۴۵۸ ۴۵۹ ۴۶۰ ۴۶۱ ۴۶۲ ۴۶۳ ۴۶۴ ۴۶۵ ۴۶۶ ۴۶۷ ۴۶۸ ۴۶۹ ۴۷۰ ۴۷۱ ۴۷۲ ۴۷۳ ۴۷۴ ۴۷۵ ۴۷۶ ۴۷۷ ۴۷۸ ۴۷۹ ۴۸۰ ۴۸۱ ۴۸۲ ۴۸۳ ۴۸۴ ۴۸۵ ۴۸۶ ۴۸۷ ۴۸۸ ۴۸۹ ۴۹۰ ۴۹۱ ۴۹۲ ۴۹۳ ۴۹۴ ۴۹۵ ۴۹۶ ۴۹۷ ۴۹۸ ۴۹۹ ۵۰۰ ۵۰۱ ۵۰۲ ۵۰۳ ۵۰۴ ۵۰۵ ۵۰۶ ۵۰۷ ۵۰۸ ۵۰۹ ۵۱۰ ۵۱۱ ۵۱۲ ۵۱۳ ۵۱۴ ۵۱۵ ۵۱۶ ۵۱۷ ۵۱۸ ۵۱۹ ۵۲۰ ۵۲۱ ۵۲۲ ۵۲۳ ۵۲۴ ۵۲۵ ۵۲۶ ۵۲۷ ۵۲۸ ۵۲۹ ۵۳۰ ۵۳۱ ۵۳۲ ۵۳۳ ۵۳۴ ۵۳۵ ۵۳۶ ۵۳۷ ۵۳۸ ۵۳۹ ۵۴۰ ۵۴۱ ۵۴۲ ۵۴۳ ۵۴۴ ۵۴۵ ۵۴۶ ۵۴۷ ۵۴۸ ۵۴۹ ۵۵۰ ۵۵۱ ۵۵۲ ۵۵۳ ۵۵۴ ۵۵۵ ۵۵۶ ۵۵۷ ۵۵۸ ۵۵۹ ۵۶۰ ۵۶۱ ۵۶۲ ۵۶۳ ۵۶۴ ۵۶۵ ۵۶۶ ۵۶۷ ۵۶۸ ۵۶۹ ۵۷۰ ۵۷۱ ۵۷۲ ۵۷۳ ۵۷۴ ۵۷۵ ۵۷۶ ۵۷۷ ۵۷۸ ۵۷۹ ۵۸۰ ۵۸۱ ۵۸۲ ۵۸۳ ۵۸۴ ۵۸۵ ۵۸۶ ۵۸۷ ۵۸۸ ۵۸۹ ۵۹۰ ۵۹۱ ۵۹۲ ۵۹۳ ۵۹۴ ۵۹۵ ۵۹۶ ۵۹۷ ۵۹۸ ۵۹۹ ۶۰۰ ۶۰۱ ۶۰۲ ۶۰۳ ۶۰۴ ۶۰۵ ۶۰۶ ۶۰۷ ۶۰۸ ۶۰۹ ۶۱۰ ۶۱۱ ۶۱۲ ۶۱۳ ۶۱۴ ۶۱۵ ۶۱۶ ۶۱۷ ۶۱۸ ۶۱۹ ۶۲۰ ۶۲۱ ۶۲۲ ۶۲۳ ۶۲۴ ۶۲۵ ۶۲۶ ۶۲۷ ۶۲۸ ۶۲۹ ۶۳۰ ۶۳۱ ۶۳۲ ۶۳۳ ۶۳۴ ۶۳۵ ۶۳۶ ۶۳۷ ۶۳۸ ۶۳۹ ۶۴۰ ۶۴۱ ۶۴۲ ۶۴۳ ۶۴۴ ۶۴۵ ۶۴۶ ۶۴۷ ۶۴۸ ۶۴۹ ۶۵۰ ۶۵۱ ۶۵۲ ۶۵۳ ۶۵۴ ۶۵۵ ۶۵۶ ۶۵۷ ۶۵۸ ۶۵۹ ۶۶۰ ۶۶۱ ۶۶۲ ۶۶۳ ۶۶۴ ۶۶۵ ۶۶۶ ۶۶۷ ۶۶۸ ۶۶۹ ۶۷۰ ۶۷۱ ۶۷۲ ۶۷۳ ۶۷۴ ۶۷۵ ۶۷۶ ۶۷۷ ۶۷۸ ۶۷۹ ۶۸۰ ۶۸۱ ۶۸۲ ۶۸۳ ۶۸۴ ۶۸۵ ۶۸۶ ۶۸۷ ۶۸۸ ۶۸۹ ۶۹۰ ۶۹۱ ۶۹۲ ۶۹۳ ۶۹۴ ۶۹۵ ۶۹۶ ۶۹۷ ۶۹۸ ۶۹۹ ۷۰۰ ۷۰۱ ۷۰۲ ۷۰۳ ۷۰۴ ۷۰۵ ۷۰۶ ۷۰۷ ۷۰۸ ۷۰۹ ۷۱۰ ۷۱۱ ۷۱۲ ۷۱۳ ۷۱۴ ۷۱۵ ۷۱۶ ۷۱۷ ۷۱۸ ۷۱۹ ۷۲۰ ۷۲۱ ۷۲۲ ۷۲۳ ۷۲۴ ۷۲۵ ۷۲۶ ۷۲۷ ۷۲۸ ۷۲۹ ۷۳۰ ۷۳۱ ۷۳۲ ۷۳۳ ۷۳۴ ۷۳۵ ۷۳۶ ۷۳۷ ۷۳۸ ۷۳۹ ۷۴۰ ۷۴۱ ۷۴۲ ۷۴۳ ۷۴۴ ۷۴۵ ۷۴۶ ۷۴۷ ۷۴۸ ۷۴۹ ۷۵۰ ۷۵۱ ۷۵۲ ۷۵۳ ۷۵۴ ۷۵۵ ۷۵۶ ۷۵۷ ۷۵۸ ۷۵۹ ۷۶۰ ۷۶۱ ۷۶۲ ۷۶۳ ۷۶۴ ۷۶۵ ۷۶۶ ۷۶۷ ۷۶۸ ۷۶۹ ۷۷۰ ۷۷۱ ۷۷۲ ۷۷۳ ۷۷۴ ۷۷۵ ۷۷۶ ۷۷۷ ۷۷۸ ۷۷۹ ۷۸۰ ۷۸۱ ۷۸۲ ۷۸۳ ۷۸۴ ۷۸۵ ۷۸۶ ۷۸۷ ۷۸۸ ۷۸۹ ۷۹۰ ۷۹۱ ۷۹۲ ۷۹۳ ۷۹۴ ۷۹۵ ۷۹۶ ۷۹۷ ۷۹۸ ۷۹۹ ۸۰۰ ۸۰۱ ۸۰۲ ۸۰۳ ۸۰۴ ۸۰۵ ۸۰۶ ۸۰۷ ۸۰۸ ۸۰۹ ۸۱۰ ۸۱۱ ۸۱۲ ۸۱۳ ۸۱۴ ۸۱۵ ۸۱۶ ۸۱۷ ۸۱۸ ۸۱۹ ۸۲۰ ۸۲۱ ۸۲۲ ۸۲۳ ۸۲۴ ۸۲۵ ۸۲۶ ۸۲۷ ۸۲۸ ۸۲۹ ۸۳۰ ۸۳۱ ۸۳۲ ۸۳۳ ۸۳۴ ۸۳۵ ۸۳۶ ۸۳۷ ۸۳۸ ۸۳۹ ۸۴۰ ۸۴۱ ۸۴۲ ۸۴۳ ۸۴۴ ۸۴۵ ۸۴۶ ۸۴۷ ۸۴۸ ۸۴۹ ۸۵۰ ۸۵۱ ۸۵۲ ۸۵۳ ۸۵۴ ۸۵۵ ۸۵۶ ۸۵۷ ۸۵۸ ۸۵۹ ۸۶۰ ۸۶۱ ۸۶۲ ۸۶۳ ۸۶۴ ۸۶۵ ۸۶۶ ۸۶۷ ۸۶۸ ۸۶۹ ۸۷۰ ۸۷۱ ۸۷۲ ۸۷۳ ۸۷۴ ۸۷۵ ۸۷۶ ۸۷۷ ۸۷۸ ۸۷۹ ۸۸۰ ۸۸۱ ۸۸۲ ۸۸۳ ۸۸۴ ۸۸۵ ۸۸۶ ۸۸۷ ۸۸۸ ۸۸۹ ۸۹۰ ۸۹۱ ۸۹۲ ۸۹۳ ۸۹۴ ۸۹۵ ۸۹۶ ۸۹۷ ۸۹۸ ۸۹۹ ۹۰۰ ۹۰۱ ۹۰۲ ۹۰۳ ۹۰۴ ۹۰۵ ۹۰۶ ۹۰۷ ۹۰۸ ۹۰۹ ۹۱۰ ۹۱۱ ۹۱۲ ۹۱۳ ۹۱۴ ۹۱۵ ۹۱۶ ۹۱۷ ۹۱۸ ۹۱۹ ۹۲۰ ۹۲۱ ۹۲۲ ۹۲۳ ۹۲۴ ۹۲۵ ۹۲۶ ۹۲۷ ۹۲۸ ۹۲۹ ۹۳۰ ۹۳۱ ۹۳۲ ۹۳۳ ۹۳۴ ۹۳۵ ۹۳۶ ۹۳۷ ۹۳۸ ۹۳۹ ۹۴۰ ۹۴۱ ۹۴۲ ۹۴۳ ۹۴۴ ۹۴۵ ۹۴۶ ۹۴۷ ۹۴۸ ۹۴۹ ۹۵۰ ۹۵۱ ۹۵۲ ۹۵۳ ۹۵۴ ۹۵۵ ۹۵۶ ۹۵۷ ۹۵۸ ۹۵۹ ۹۶۰ ۹۶۱ ۹۶۲ ۹۶۳ ۹۶۴ ۹۶۵ ۹۶۶ ۹۶۷ ۹۶۸ ۹۶۹ ۹۷۰ ۹۷۱ ۹۷۲ ۹۷۳ ۹۷۴ ۹۷۵ ۹۷۶ ۹۷۷ ۹۷۸ ۹۷۹ ۹۸۰ ۹۸۱ ۹۸۲ ۹۸۳ ۹۸۴ ۹۸۵ ۹۸۶ ۹۸۷ ۹۸۸ ۹۸۹ ۹۹۰ ۹۹۱ ۹۹۲ ۹۹۳ ۹۹۴ ۹۹۵ ۹۹۶ ۹۹۷ ۹۹۸ ۹۹۹ ۱۰۰۰» ای کسانی که ایمان آورده‌اید همواره برپادارنده عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید گرچه به ضرر خودتان یا والدین و بستگان باشد اگر (آن که علیه



او شهادت می‌دهید) ثروتمند یا فقیر باشد خداوند به آنان سزاوارتر است پس پیرو هوای نفس مباشید تا بتوانید عدالت کنید. اگر (برای جلوگیری از عدالت مسئله را) بگردانید (و با زمان بیچانید) یا از حق اعراض کنید پس خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است.

### ۱,۱,۳. دعوت قرآن به عدل و بخشش و نهی از فحشاء و منکر و ظلم (ستم)

در قرآن مجید پیرامون دعوت به عدل و بخشش و نهی از فحشا و منکر در کنار آن آمده است: «ان الله یامر بالعدل والاحسان وایتاء ذی القربى. وینهى عن الفحشاء والمنکر و ابلغى. یعظکم لعلکم تذکرون» (سوره نحل، آیه ۹۰). یعنی: همانا خدا (خلق را) فرمان به عدل و احسان می‌دهد و به بذل و عطاء خویشاوندان امر می‌کند و از افعال زشت و منکر و ظلم نهی می‌کند و به شما پند می‌دهد، باشد که موعظه خدا را بپذیرید. و باز در جای دیگری خداوند در باب نقش و اهمیت عدل چنین می‌فرماید: «و ضرب الله مثلاً رجلین احدهما ابکم لا یقدر علی شیء وهو کل علی موله اینما یوجهه لایات بخیر هل یستوی هو و من؛ یامر بالعدل و هو علی صراط مستقیم» (سوره نحل، آیه ۷۶). خداوند مثالی دیگر زده است: «دو نفر که یکی از آن دو گنگ مادر زاد است و قادر بر هیچ کاری نیست و سربار صاحبش می‌باشد را به سراغ هر کاری بفرستد عمل خوبی نیز انجام نمی‌دهد آیا چنین انسانی با کسی که امر به عدل و داد می‌کند و به راه راست قرار دارد مساوی است.»

### ۱,۱,۴. دعوت به عدالت در میزان و وزن

در سوره الرحمن نیز خداوند متعال عدالت را میزان و وزن دوری از طغیان معرفی نموده و می‌فرماید: «الا تطغوا فی المیزان» یعنی: تا در میزان طغیان نکنید و از مسیر عدالت منحرف نشوید (سوره الرحمن، آیه ۸).





## ۱,۱,۵. دعوت به اجرای «قسط و عدل» از طریق اعزام پیامبران

در آیات قرآن یکی از مهمترین وظایف و رسالت پیامبران الهی را برپایی قسط و عدل دانسته و می‌فرماید: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط ورسله بالغیب؛ ان الله قوی عزیز». ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و به آن‌ها کتاب (آسمانی)؛ میزان (شناسایی حق و قوانین عادلانه) نازل کردیم که در آن قوت شدیدی است و منافعی برای مردم تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کنند بی‌آنکه او را ببینند خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است (سوره حدید، آیه ۲۵).

## ۱,۱,۶. دعوت به عدالت در معاملات

قرآن مجید به‌کارگیری عدالت را در همه ابعاد زندگی اعم از ابعاد مادی و معنوی موردنظر قرار داده و در بعد اقتصادی نیز به آن توجه نموده، می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمی فاکتوبوه ... و اتقوا الله و یعلمکم الله والله بکل شیء علیم» (سوره بقره، آیه ۲۸۲). یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که وام مدت‌داری به یکدیگر می‌دهید؛ آن را بنویسید؛ و باید نویسنده‌ای از روی عدالت در میان شما بنویسد؛ و کسی که قدرت بر نویسندگی دارد؛ نباید از نوشتن - همان‌طور که خداوند به او تعلیم داده- خودداری کند. پس باید بنویسد؛ و آن کس که حق بر عهده اوست باید املاء کند و از خدا که پروردگار اوست بپرهیزد و چیزی را فرو گذار ننماید؛ و اگر کسی که حق بر ذمه اوست؛ سفیه یا ضعیف است؛ یا توانایی بر املاء کردن ندارد. باید ولی او با رعایت عدالت؛ املاء کند؛ و دو نفر از مردان خود را شاهد بگیرد و اگر دو مرد نبودند یک مرد و دو زن؛ از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند؛ انتخاب کنید تا اگر یکی انحرافی یافت دیگری به او یادآوری کند؛ و شهود نباید به هنگامی که آن‌ها را دعوت می‌کنند خودداری نمایند؛ و از نوشتن بدهی خود چه کوچک باشد یا بزرگ ملول نشوید. این در نزد



خدا به عدالت نزدیک‌تر و برای شهادت مستقیم‌تر و برای جلوگیری از تردید و شک بهتر می‌باشد. مگر این‌که دادوستد نقدی باشد که بین خود دست‌به‌دست می‌کنید. در این صورت گناهی بر شما نیست که آن را ننویسد. ولی هنگامی که خرید و فروش می‌کنید شاهد بگیرید؛ و نباید به نویسنده و شاهد زبانی برسد؛ و اگر چنین کنید؛ از فرمان پروردگار خارج شده‌اید. از خدا بپرهیزید؛ و خداوند به شما تعلیم می‌دهد خداوند به همه چیز داناست.

### ۱,۷. دعوت به عدالت در رفتار با همسران

چنانکه پیش‌تر اشاره شد در قرآن مجید عدالت را در ابعاد مختلف زندگی دارای کاربرد دانسته و رعایت آن را مایه سعادت‌مندی برمی‌شمارد، لذا در بکارگیری عدالت در زندگی زناشویی نیز تأکید نموده است.

در سوره مبارکه نساء آیه ۱۲۹ چنین می‌خوانیم: «و لن تستطیعوا تعدلوا بین النساء ولو حرصتم فلا تمیلوا کل المیل فتذروها کاملعله وان تصلحوا وتتقوا فان الله کان غفورا رحیما». و هرگز نمی‌توانید (از نظر علاقه قلبی) میان همسران به عدالت رفتار کنید هر چند کوشش فراوان کنید پس (حداقل) همه علاقه خود را به یک جانب قرار ندهید تا آن دیگری را بلا تکلیف قرار دهید و اگر راه صلح و آشتی و تقوا پیشی گیرید به یقین خداوند آمرزنده و مهربان است.

در سوره نساء آیه ۱۲۷ نیز در این مورد چنین می‌خوانیم: «و یتفتونک فی النساء قل الله یتیکم فیهن و ما یتلی علیکم فی الکتاب فی الکتاب فی یتمی النساء التی لا یتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکوهن و المستضعفین من الولدان و ان تقوموا للیتامی بالقسط و ما تفعلوا من خیر فان الله کان به علی» یعنی: و از تو درباره (احکام) زنان فتوی می‌خواهند بگو: خداوند درباره آن به شما فتوی می‌دهد و هم آیاتی از قرآن که بر شما تلاوت می‌شود درباره زنان یتیمی که حق آنان (ارث و اجبشان را به بهانه‌های جاهلی)



می‌دهید و میل به ازدواج با آنان دارید و نیز درباره کودکان مستضعف خداوند حکم خویش را بیان فرموده است و با یتیمان به عدالت رفتار کنید و هر کار نیکی انجام دهید خداوند از آن آگاه است.

در سوره مبارکه نساء آیه ۲ و ۳ نیز در باب رعایت عدالت در بین یتیمان و ازدواج با آنان آمده است: «و اتوا الیتیمی اموالهم ولا تبدلوا الخبیث بالطیب ولا تاکلوا اموالهم الی اموالکم انه کان حوبا کبیرا» و اموال یتیمان را (هنگامی که به رشد رسیدند) به آنان بدهید و اموال بد (خودتان) را با اموال خوب یتیمان تبدیل نکنید و اموال آنان را با اموال خود نخورید همانا (این تصرفات ظالمانه) گناه بزرگ است.

«و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و ربع فان خفتم الا تعدلوا فواحدہ او ما ملکتم ایمانکم ذلک ادنی الا تعولوا». اگر می‌ترسید که (هنگام ازدواج با دختران یتیم) رعایت عدالت درباره آنان نکنید (از ازدواج با آنان صرف‌نظر نمایید) و با زنان دلخواه دیگر ازدواج کنید دو تا سه تا یا چهار تا. پس اگر ترسیدید که (میان همسران) به عدالت عمل نکنید پس یک همسر کافی است (به جای همسر دوم) از کنیزی که مال شماست استفاده کنید (اگر چه کنیز هم حقوقی دارد که باید مراعات شود) این کار، شما را از ظلم و انحراف از (عدالت) بهتر جلوگیری می‌کند.

## ۲،۱. عدالت از منظر روایات اسلامی

در روایات مختلف به مبحث عدالت از منظرهای متفاوتی پرداخته شده است، که مهمترین آن ارزشمندی این واژه مقدس است در ادامه به تعدادی از روایاتی که به ارزش عدالت پرداخته‌اند اشاره نموده و مابقی روایات مرتبط با این حوزه را به علت تعدد و کثرت و دستهبندی متعدد آن بر عهده خوانندگان محترم می‌گذاریم.



## ۱،۲،۱. ارزش عدالت

عدالت از دیدگاه اهل بیت (ع) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است به نحوی که پیامبر اکرم (ص) یک ساعت عدالت را بهتر از شصت سال عبادت دانسته و می‌فرماید: پیامبر خدا (ص): «عَدْلٌ سَاعَةٌ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً قِيَامٌ لَيْلَهَا وَ صِيَامٌ نَهَارِهَا وَ جَوْزُ سَاعَةٍ فِي حُكْمٍ أَشَدُّ وَ أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ مَعَاصِي سِتِّينَ سَنَةً». يك ساعت عدالت، بهتر از شصت سال عبادت است که شبش به عبادت و روزش به روزه‌داری بگذرد و يك ساعت بی‌عدالتی در حکومت (داوری) نزد خدا سخت‌تر و سنگین‌تر از شصت سال گناه است (ر.ک. جامع الأخبار، ۴۳۵: ۱۲۱۶).

امام علی (ع) نیز در مورد بنیادی بودن عدالت می‌فرماید: «العَدْلُ أَقْوَى أَسَاسٍ» عدالت، محکم‌ترین بنیاد است. (غررالحکم، ۸۶۳) و در جای دیگر نیز در مورد جایگاه عدالت می‌فرماید: «إِنَّ الْعَدْلَ مِيزَانُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ الَّذِي وَضَعَهُ فِي الْخَلْقِ وَ نَصَبَهُ لِإِقَامَةِ الْحَقِّ، فَلَا تُخَالِفُهُ فِي مِيزَانِهِ وَ لَا تُعَارِضُهُ فِي سُلْطَانِهِ». عدالت، ترازوی خدای سبحان است که آن را در میان خلق خود نهاده و برای بر پا داشتن حق، نصب کرده است. پس برخلاف ترازوی او عمل مکن و با قدرتش مخالفت موز (غررالحکم، ۱۴۱۰: ۳۴۶۴).

امیر المؤمنین در جای دیگری عدالت را زیور حاکمان و زمامداران دانسته و می‌فرماید: «العَدْلُ قِوَامُ الرِّعِيَّةِ وَ جَمَالُ الْوَلَاةِ». عدالت، بر پا دارنده مردم و زیور حکمرانان است (غررالحکم، ۱۴۱۰).

فاطمه زهرا (س) نیز عدالت را موجب آرامش دل‌ها دانسته و می‌فرماید: «فَرَصَ ... الْعَدْلَ تَسْكِينًا لِلْقُلُوبِ» خداوند عدالت را برای آرامش دل‌ها واجب فرمود (علل الشرائع، ۱۳۹۱، ۲/۲۴۸).

امام صادق (ع) نیز عدالت را گواراتر از آب شیرین بر تشنه خوانده و می‌فرماید: «العَدْلُ أَحْلَى مِنَ الْمَاءِ يُصِيبُهُ الظَّمَانُ» عدالت، از آبی که شخص تشنه به آن می‌رسد



شیرین تر است (الکافی ۱۳۷۵، ۲/۱۱/۱۴۶).

امام علی (ع) عدالت را فضیلت فرمانروا و در جایی حفاظ دولتها دانسته و می‌فرماید: «الْعَدْلُ فَضِيلَةُ السُّلْطَانِ». عدالت، فضیلت فرمانروا (قدرت) است (غررالحکم، ۱۴۱۰: ۵۸۴) و در مورد عدالت و حفاظت از دولتها می‌فرماید: «الْعَدْلُ جُنَّةُ الدُّوَلِ» عدالت، حفاظ دولت‌هاست؛ و در جای دیگری عدل را مایه اصلاح و سامان یافتن رعیت دانسته و می‌فرماید: «الْعَدْلُ يُصْلِحُ الْبَرِيَّةَ، صَلَاحُ الرَّعِيَّةِ الْعَدْلُ» عدالت، مردم را اصلاح می‌کند و مایه اصلاح و سامان یافتن رعیت است (غررالحکم، ۴۹۶: ۵۸۰۴).

## ۲. راهکارهای اجرایی برپایی عدالت در حکومت علوی

در پی تحولات سیاسی پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) نظام اجتماعی از مسیر اعتدال بیرون رفته و نظام طبقاتی حکم‌فرما شده بود، در چنین دورانی امام علی (ع) بر عرصه حکومت جای گرفته و تمام نظام‌های طاغوتی و طبقاتی را در هم شکست و موجبات خشم دشمنان اسلام بدین گونه با امام بیشتر شد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۲۶). به عبارت دیگر در دوران بیست‌وپنج‌ساله خلافت خلفا پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) تحولات ناخوشایند فراوانی در فرهنگ اسلامی روی داده بود؛ وضعیت فرهنگی در این دوران نه دقیقاً مانند دوران جاهلیت بود اما رسومی غلط به نام دین در بین مردم در حال شیوع بود که امام با درایت هر چه تمام‌تر با آنها مقابله نمود و آن پوستین وارونه را به حق رو کرد، مهم‌ترین انحرافات فرهنگی این زمان نیازدگی و ظاهر بینی و از بین رفتن بصیرت دینی در بین مردم بود که امام با خطبه‌ها و گوشزدها و فرستادن افراد خطیب و توانا به سراسر سرزمین حکومتی خویش با آن به مبارزه پرداخت.

ناگفته نماند که امام برای اصلاح تفکرات غلط طبقاتی از کار هم به عنوان ابزاری برای از بین بردن فقر و شکاف طبقاتی استفاده مینمود و بیت‌المال را در کنار تشویق



به کار و فعالیت در بین مردم به طور مساوی تقسیم نمود؛ به طور کلی امام در کنار وعظ و نصیحت و انذار و تبشیر افراد و زمامداران، در حدود ۵ سال حکومت خویش راهکارهایی را جهت اجرای یک حکومت عدالت‌محور ارائه فرمود که در ادامه به اهم آن‌ها خواهیم پرداخت.

## ۱،۲. وجود حاکمان عادل و متقی

امام علی (ع) در راستای اجرای حکومت عدل‌محور خویش حاکمان و مسئولان عادل و با تقوا را بر امور جامعه منصوب نمود و خود بر رفتار شخصی و اجتماعی آنان نظارت مینمود. علی (ع) حکومت را برای برپایی حق و حقوق مظلومان دانسته و هدف از قبول خلافت را احقاق حق مظلومان ذکر نمود؛ وی در این باره در روز دوم خلافت خود در سال ۳۵ هجری می‌فرماید: «به خدا سوگند؛ بیت‌المال تاراج شده را هر کجا که بیابم به صاحبان اصلی آن بازمی‌گردانم. گرچه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا در عدالت گشایش برای عموم است. آن کس که عدالت بر او گران آید؛ تحمل ستم بر او سخت‌تر است» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵: ۵۹) و در جای دیگری می‌فرماید: «به خدا سوگند؛ همین کفش بی‌ارزش نزد من از حکومت بر شما محبوب‌تر است؛ مگر این‌که حقی با آن به پا دارم و یا باطلی را دفع نمایم» (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۳: ۸۵). جرج جرداق مسیحی در این باره می‌نویسد: «سفارش‌های امام به فرمانداران، شاید همیشه به دور محور واحدی می‌چرخید و آن عدالت بود» (جرداق، ۱۳۸۷: ۱۵۳).

لذا چنانکه پیشتر اشاره شد امام علی (ع) در راستای برپایی عدالت در حکومت علوی فرمانداران مؤمن و متعهد را به زمامداری امور منصوب مینمود، در ادامه با چند نفر از فرمانداران این دوران و سفارش‌های امام به آنان آشنا خواهیم شد.



## ۲,۲. نظارت بر اعمال و رفتار مسئولان در جامعه

امام علی (ع) در دوران حکومت خود از بحث انذار و تبشیر جهت راهبری فرمانداران بهره میبرد و در صورت دیدن خطا و عدم جبران و در راستای برپایی حق و عدالت با کسی با ملاحظه برخورد نمی‌مود. به عبارت دقیق‌تر نظارت بر عملکرد مسئولان و زمامداران از مهمترین راهکارهای امام جهت ترسیم جامعه عدالت محور علوی بود؛ در ادامه به برخی از نمونه‌های این نوع نظارتها و تذکرات امام به زمامداران حکومتی اشاره مینماییم:

### ۲,۲,۱. نامه‌ای به زیاد ابن ابیه جانشین فرماندار بصره

امام در نامه‌های به جانشین فرماندار بصره در مورد اموال عمومی و حفظ آن تأکید نموده و میفرماید: «به راستی به خدا سوگند می‌خورم؛ اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی؛ چنان بر تو سخت‌گیرم که قادر به تأمین معاش عیال خود نیز نباشی» (نهج‌البلاغه، نامه ۲۰: ۴۹۹).

### ۲,۲,۲. نامه‌ای به محمد ابوبکر فرماندار مصر

آن حضرت در نامه‌ای به محمد بن ابوبکر، وقتی که وی را به فرمانداری مصر فرستاد نوشته و به وی توصیه نمود که حتی در نگاه‌هایش به مردم عدالت داشته باشد. زیرا اگر حاکم میان نگاه کردن به بزرگان و اشراف جامعه با نگرستن به ضعفا و پابرهنگان تفاوت قائل شود، گروه اول به حمایت بی‌دلیل او طمع می‌نمایند و دسته دوم از عدالت وی ناامید می‌شوند (ر.ک: نهج‌البلاغه، نامه ۲۷).

وی در این نامه میفرماید: «با مردم فروتن باش. نرم‌خو و مهربان باش. گشاده‌رو و خندان باش. در نگاه‌هایت و در نیم‌نگاه و خیره شدن به مردم؛ به تساوی رفتار کن تا بزرگان در ستم‌کاری تو طمع نکنند؛ و ناتوان‌ها در عدالت تو مأیوس نگردند» (نهج‌البلاغه، نامه ۲۷: ۵۰۹).



### ۳,۲,۲. نامه به یکی از حکمرانان خود در سال ۴۰ هجری

امام در زمینه تأکید بر عدم بهره‌مندی از بیت‌المال و حسابرسی بر اموال همواره اصرار داشته و در این مورد به یکی از حکمرانان خود مینویسد: «... به من خبر رسیده که کشت زمین‌ها را برداشته و آنچه را که می‌توانی گرفته و آنچه در اختیار داشتی؛ به خیانت خورده‌ای؛ پس هر چه زودتر حساب اموال را برای من بفرست و بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم سخت‌تر است» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۰: ۵۶۷).

### ۳. دستور به ساده زیستی مسئولین جامعه اسلامی

امام علی (ع) از تجملگرایی بیزار بود و همواره به حاکمان و فرماندارانش توصیه می‌کرد که ساده زندگی کنند و خود نیز این گونه بود. نامه‌های امام (ع) در نهج‌البلاغه خود گویای این مطلب است. امام در نامه ۳ نهج‌البلاغه به شریح بن حارث (قاضی کوفه) که خانه‌ای به ۸۰ دینار خریده بود این چنین هشدار داد: «... به من خبر دادند که خانه‌ای به ۸۰ دینار خریده‌ای و سندی برای آن نوشته‌ای و گواهانی آن را امضاء کرده‌اند. ای شریح اندیشه کن که آن خانه را با مال دیگران و یا پول حرام نخریده باشی که آنگاه خانه دنیا و آخرت را از دست داده‌ای».

بنابراین ساده‌زیستی حاکمان اسلامی و اطلاع از زندگی افراد کم‌درآمد و فقیر، یکی از خصوصیات رهبران و مسئولان عادل در جامعه می‌باشد و امام علی (ع) رعایت آن را خصوصاً بر زمامداران حکومتی واجب برشمرده و معتقد است که ساده‌زیستی حاکمان اسلامی زمینه را برای اجرای عدالت و اقامه آن در جامعه اسلامی فراهم می‌آورد. لذا امام ساده‌زیستی و رعایت حقوق مردم کم‌بضاعت را برای یک جامعه اسلامی مهم دانسته و مسئولین را نسبت به آن سفارش می‌کند.





#### ۴. عدم تبعیض بین اقشار جامعه

در پی تحولات سیاسی پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) نظام اجتماعی از مسیر اعتدال بیرون رفته بود و نظام طبقاتی حکم فرما شده بود در چنین دورانی امام بر عرصه حکومت جای گرفته و تمام نظام‌های طاغوتی و طبقاتی را در هم شکست و موجبات خشم دشمنان اسلام بدین گونه با امام بیشتر شد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۲۶).

امام علی (ع) به معنای واقعی تبعیض را از جامعه حذف نموده و بارها به کارگزارانش در این مورد سفارش می‌نمود به طوری که حتی یهودیان و مسیحیان را نیز با عدل اسلامی جزا می‌داد. وی در تقسیم بیت‌المال تفاوتی میان اشراف و دیگران نمی‌گذاشت و به طلحه و زبیر همان سه دیناری را پرداخت که به یک غلام تازه آزاد شده داد. (رشاد، ۱۳۸۲: ۴۳۷). ناگفته نماند که امام برای اصلاح تفکرات غلط طبقاتی از کار هم به عنوان ابزاری برای از بین بردن فقر و شکاف طبقاتی بهره می‌برد.

#### ۵. لزوم پایداری و پشتیبانی مردم و مسئولین از یکدیگر

در ارتباط با حقوق متقابل مردم و رهبران؛ امام علی (ع) در بخشی از خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه می‌فرماید: «... و در میان حقوق الهی بزرگ‌ترین حق؛ حق رهبر بر مردم و حق مردم به رهبر است. مردم اصلاح نمی‌شوند، مگر به اصلاح حاکمان و حاکمان، اصلاح نمی‌شوند مگر به استقامت و پایداری، مردم ... و آنگاه که مردم حق رهبری را ادا می‌کنند و زمامدار حق مردم را بپردازند؛ حق در آن جامعه بین آن‌ها عزت یابد و راه‌های دین پایدار و نشانه‌های عدالت برقرار و سنت (پیامبر) پایدار گردد؛ پس روزگار اصلاح شود و مردم در تداوم حکومت امیدوار و دشمن در آرزوهایش مأیوس می‌گردد. اما اگر مردم بر حکومت چیره شوند یا زمامدار بر مردم ستم کند؛ وحدت کلمه از بین می‌رود؛ نشانه‌های ستم آشکار و نیرنگ بازی در دین فراوان می‌گردد.» (ر.ک. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶)



بنابراین از دیدگاه امام علی (ع) رعایت حقوق متقابل مردم و مسئولین و پایداری و پشتیبانی آنان از یکدیگر امری واجب است، لذا هم دولت باید در قلمرو مسئولیتهای خود در زمینههای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و ... عادلانه رفتار کند و هم مردم باید به تعهدات خود در برابر زمامداران عمل کرده و مسئولیت پذیر باشند؛ زیرا مجموعه تلاشها و رفتارهای فردی یک جامعه را ساخته و به سمت کمال یا سقوط سوق می‌دهد.

### نتیجه گیری

عدالت یکی از ارکان دین مقدس اسلام می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که عدل الهی یکی از اصول اعتقادی شیعیان بوده و به همین علت آنان را عدلیه می‌نامند، عدل ارکان و اقسامی دارد و مراتبی نیز در آن نهفته است، که با دستیابی به نهان آن می‌توان آن را بهتر شناخت، امام علی (ع) به عنوان یک سیاستمدار و مؤمن عالم این ارکان را بازشناخته و راهکارهایی را جهت پیاده کردنش در جامعه اسلامی ارائه نموده و خود در دوران حکومت کوتاهش آن‌ها را بکار گرفت، در نتیجه اگر بخواهیم در جامعه‌ی اسلامی عدل را پیاده کنیم باید این راه‌کارهای زیر بنایی اجرا شده در حکومت کوتاه و عادلانه‌ی امام را شناخته و در حکومت اسلامی پایه‌گذاری نماییم؛ وجود حاکمان عادل و متقی، نظارت بر اعمال و رفتار مسئولان در جامعه، دستور به ساده زیستی مسئولین جامعه اسلامی، عدم تبعیض بین اقشار جامعه، لزوم پایداری و پشتیبانی مردم و مسئولین از یکدیگر، از جمله راهکارهای اجرایی عدالت و استقرار صلح در حکومت علوی بشمار می‌رود که لازمه یک جامعه اسلامی و عدل محور می‌باشد.



## منابع

- ۱- قرآن، ترجمه الهی قمشاهی.
- ۲- ابن منظور (۱۴۱۴)، لسان العرب، ج ۱۱، الناشر، دار صادر، بیروت.
- ۳- احمدی، سیدجواد، اصطلاح‌شناسی «عدالت» و پیوند آن با مفاهیم همسو در آموزه های نهج‌البلاغه، دانشگاه معارف.
- ۴- امدی، تمیمی (۱۴۱۰)، غررالحکم، مصحح، سید مهدی رجایی، ناشر، دارالکتاب الاسلامی، قم.
- ۵- جرداق، جرج (۱۳۸۷)، امام علی (ع)، صدای عدالت انسانی، ج دوم، بوستان کتاب، قم.
- ۶- دشتی، محمد (۱۳۸۷)، ترجمه نهج‌البلاغه، چاپ هفتم، نشر مشرق، قم.
- ۷- دلشاد تهرانی (۱۳۷۷)، مصطفی، دولت آفتاب، چاپ اول، خانه جوان، تهران.
- ۸- رشاد، علی‌اکبر (۱۳۸۲)، دانشنامه امام علی (ع)، چاپ دوم، ج ۷، پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
- ۹- شیخ صدوق (۱۳۹۱)، علل الشرایع، مترجم، علی اکبر میرزایی.
- ۱۰- عمید، حسن، فرهنگ عمید، ج اول، چاپ اول، امیرکبیر، تهران.
- ۱۱- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۱۵۳)، ترتیب کتاب العین، ج ۲.
- ۱۲- قلی زاده، حسین (۱۳۷۹)، علی (ع) قرین عدالت، ج اول، امیری، تهران.
- ۱۳- محمدبن محمدبن شعیری (۱۲۱۶)، جامع الاخبار، ناشر، مطبعه حیدریه، نجف.



۱۴- محمدبن یعقوب، کلینی (۱۳۷۵)، اصول کافی، مترجم، محمد باقر کمره‌ای، ناشر،

اسوه، قم.

۱۵- مطهری، شهید مرتضی (۱۳۹۱)، جاذبه و دافعه امام علی (ع)، چ ۷۸، انتشارات

صدرا، تهران.

۱۶- مطهری، شهید مرتضی (۱۳۹۰)، سیری در نهج البلاغه، چ ۴۸، انتشارات صدرا،

تهران.

۱۷- مطهری، مرتضی (۱۳۹۹)، عدل الهی، انتشارات صدرا .

۱۸- معین، محمد (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ج ۶، تهران.

۱۹- میمنه جهرمی، حیدرعلی (۱۳۷۸)، موعود، شماره ۱۷، حکومت علوی، الگوی

حکومت مهدوی.